

شورای ملی جنگ

اشخاصی که به نام ملت ایران « شورای ملی صلح » تشکیل داده اند، باید به این پرسش پاسخ گویند و این نکته را روشن نمایند که با چه کس یا کسان و با چه گروه و دسته و دولت و کشوری می خواهند صلح کنند؟ و یا به عبارت دیگر ملت ایران با چه نیروی متخاصم و متجاوز در حالت جنگ بوده و بسر می برد و یا از سوی کدام نیرو احساس خطر می کند که ایشان به فرض دارا بودن حق نمایندگی از طرف ملت ایران، خواستار صلح گشته اند؟

اگر احتمال حمله نظامی آمریکا و اسرائیل و نیروهای ائتلاف جهانی مد نظر است که هست، چرا به صراحت از باعث و بانی و مسبب اصلی این خطر و مخاطره که مشخصاً جمهوری اسلامی است یاد نمی کنند؟ چرا از بمب اتمی رژیم اسلامی هیچ حرفی نمی زنند؟ چرا هرچه فریاد دارند بر سر جمهوری اسلامی نمی کشند؟

این خانمها و آقایان چرا در دوران جنگ هشت ساله با عراق - لاقلاً از آزادی خرمشهر به بعد- به فکر تشکیل شورای صلح نیفتادند؟ چرا اکنون که سقوط حکومت اسلامی به دنبال یورش نظامی و بمباران امری صد در صد مسلم و قطعی است به فکر صلح افتاده اند؟ چرا ترکیب ایشان مجموعه ای است از « زن مسلمان » و « مرد مسلمان » و اصلاح طلب و خاتمی چی و همکاران اکنون و سابق رژیم اسلامی و هنرمندانی است که سی سال به خدمت بزرگ و دوزک چهره کریه نظام اسلامی مشغول بوده اند؟

در شورای ملی صلح حتماً طیفی دیده می شود که در اینجا نیز فرصت و زمینه مبارزه با امپریالیسم یافته است. از جنم همان نحله ای که در جهت این هدف با فاسدترین و پلیدترین و جنایتکارترین دولت ها و نظام های عوامفریب وجوه مشترک استراتژیک می یابند و همراهی و همکاری می کنند.

این سخنان به معنی حمایت از حمله نظامی به ایران نیست؛ بلکه به قصد روشن شدن نیت ها و روش های سردرگم گروه ها و نیز آشکار ساختن اولویت های ملت ایران در مبارزه با رژیم سنگسار اسلامی است.

تردیدی نیست که همه ملت ها از جمله ملت ایران مردمانی صلح طلبند که اگر گرفتار و گروگان و اسیر حکومت ها و دولت ها و رهبرانی نادان، فاسد و قدرت طلبی نباشند که تمامی آزادی ها و حقوقشان را پایمال نموده باشد، هرگز تن به هیچ جنگی نخواهند سپرد. اما اگر جنگی واقعی در چشم انداز است که هست، جنگ ملت ایران با نظام تجاوز الهی است.

پایان دادن به شرایط « نه جنگ و نه صلح » جز با برانداختن نظام اسلامی ممکن نیست. ریشه های علل بروز جنگ در جوهره حکومت اسلامی است. در حکم جهاد اسلام علیه آزاداندیشان است. عامل اصلی جنگ را می باید در دشمنی و ستیز آخوندها و اسلام فروشان با فرهنگ و تمدن و ملت ایران جستجو کرد. ریشه های جنگ طلبی را می بایست در ماجراجویی ها و فکر امپریالیستی صدور انقلاب اسلامی و در عمق باورهای فاشیستی و انسان ستیز اسلام کاوش کرد.

جمهوری اسلامی طی همین سی سال در حدود یک میلیون تن از مردم ایران را به قتل رسانده و مجروح و معلول و خانه نشین کرده است. از سینما رکس و اعدام ها و قتل های پیروزی انقلاب اسلامی، از جنگ هشت ساله تا قتل عام های اسرا و زندانیان، از احکام اعدام و سنگسار و قصاص، از ترورهای مخالفان در درون و بیرون. این تعداد تلفات برابر با میزان تلفات چند بمب هسته ای است. حکومت اسلامی نیازی به تسلیحات کشتار جمعی نداشته است. با همان سلاح های متعارف، با تفنگ و اسلحه کمربندی و سلاح سرد و چماق و چاقو و یا با تکه ای طناب و چند پاره سنگ عملاً دست به کشتار جمعی زده است.

در تاریخ ایران با حمله و هجوم کدام بیگانه و دشمنی بیش از پنج میلیون تن از ملت آواره گشته است؟ کدام بیگانه و دشمن و گرگی در ایران لانه کرده است که همچنان این روند ادامه دارد و سالیانه بنا به آمار بالغ بر صد و پنجاه هزار ایرانی از متفکر و متخصص و نخبه و صاحب سرمایه از این نکبت می گریزند؟

آنوقت چنین دشمن هار و غدار و خونریز و انیرانی و مهاجم و متجاوز زنجیرگشوده ای را در خانه خود رها کرده اند و در مطلق عوامفریبی شعار ضدامپریالیستی سر می دهند.

شما در برابر شعار صلح - صلح کدامین راه و روشی را به جهت سرنگون ساختن نظام اسلامی پیشنهاد کرده اید؟ آیا به

عنوان مثال تحریم خرید نفت و گاز از ایران و بستن گلوگاه حیاتی جمهوری اسلامی را به آمریکا و اسرائیل و اتحادیه اروپا گوشزد کرده اید؟ آیا روش و راهکاری نظیر آنچه بر آفریقای جنوبی در زمان آپارتاید اعمال می شد پیشنهاد داده اید؟ شما که با همین تحریم های نیم بند اقتصادی که رژیم اسلامی را به نفس نفس انداخته است نیز مخالفید!

میاد که برخی در زیر پرده دلسوزی برای ملت ایران نیت نامردمانه خود را پنهان ساخته باشند. میاد که به قصد خریدن وقت و فرصت برای نظام اسلامی باشند. میاد که هدفی به جز برانداختن جمهوری اسلامی در سر بپرورانند؟

چگونه می توان به افرادی که تمامی هم و همت خویش را بر آشتی دادن دموکراسی با توحش اسلام و شرع نبی گذاشته اند و در پی موافق ساختن مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر با قانون تعزیرات اسلامی شب و روز تلاش می کنند اعتماد کرد؟ چگونه می توان به اهل فکر و اندیشه ای که برای نجات اسلام آدمخواره و در همنوایی با استعمار اسلامخواه و آخوندنواز در پی تولید و تحمیل اسلامی خوش خیم و لایت به مردمند تا شرایط و زمینه های پس ماندگی فرهنگی و سیاسی و اجتماعی یک ملت را دوام و قوام ببخشند، خوشبین بود؟

این نظر که جمهوری اسلامی از جنگ با آمریکا و اسرائیل و ناتو استقبال می کند و که بهانه ای می یابد تا ناراضیان و معترضین را در داخل سرکوب کند و پایه های اقتدارش را استحکام ببخشد و جنگ، روند و پروسه جامعه مدنی و دموکراتیزه شدن جامعه و سیاست را به تعویق و تأخیر می اندازد، مبنایش استدلال سستی است که تجربه و نتیجه و سرانجام حمله نظامی نیروهای ائتلاف به افغانستان و عراق را نادیده می گیرد. حتا تجربه دوره حمله نظامی ناتو به صربستان را. در همه این مثال ها حکومت های محلی سرنگون شدند. در غیر این صورت هم چیزی به نام دموکراسی و جامعه مدنی در چشم انداز ده ها ساله آنها پیدا نبود. نه اسلام و توحش طالبان اجازه می داد که مردم افغانستان خواب آزادی ببینند و نه حکومت مادام العمر صدام حسین و حزب بعث عراق ماشین آدمکشی و جنایاتش را متوقف می کرد. نژادپرستان صرب نیز اگر فرصت می یافتند تا آخرین نفر از مردم بوسنی و کوزوو و آلبانی تبار را قتل عام می کردند.

ما را از جنگ نترسانید. لولوی افغانستان و عراق را برای خالی کردن دل ما به رخ نکشید. ملت ایران سه دهه است که با حکومت شرع نبی در حالت «نه جنگ و نه صلح» بسر می برد. عاقبت که چندان هم دور و دیر نیست تصمیم قاطع خود را خواهد گرفت و با یافتن نمایندگان واقعی خویش و با تشکیل «شورای ملی جنگ» که مطلقاً هیچ شباهتی به تشکل های عوامفریبانه نخواهد داشت و با برافراشتن پرچم خود در مقابل پرچم الله اکبر و به نام ایران به جنگ رو در رو با نظام نفرت الهی خواهد پرداخت.

هیچ امری به اندازه شعار سرنگونی جمهوری اسلامی ملت ایران را در زیر یک پرچم متحد نمی کند. هیچ آرزویی به جز برافتادن نظام نکبت الهی ملت ایران را گرد هم نمی آورد.

در این برهه سرنوشت ساز از تاریخ ایرانزمین آن امری که غایب است، آن حقیقتی که درک و فهمش راهگشای خروج از نکبت و فلاکت اسلامی است، ضرورت حیاتی اتحاد و همبستگی میان تمامی نیروهای مبارزی است که سرنگون ساختن نظام جمهوری اسلامی و استقرار حکومتی سکولار مبتنی بر آزادی، دموکراسی و پایبند به اعلامیه جهانی حقوق بشر هدف مشترک و بدون اما و اگر آنان است.

جمهوری اسلامی و مجموعه آخوندها و دینکاران و اسلام فروشان حامی آن، تنها و تنها دشمنی است که من و ما و ملت ایران می شناسد. سی سال متمادی است که ملت ایران تمامی راه های صلح و سازش با حکومت اسلامی را طی کرده و آزمایش نموده است. اما این نظام همچنان از این مردم قربانی می گیرد، حبس و شکنجه می کند و ثروت ها و منابع این ملت را غارت و چپاول می کند.

اگر برخی نیروها و گروه ها و احزاب می دانستند که ایران و ایرانی و منافع یک ملت را وجه المصلحه دعواهای ایدئولوژیک و افکار سخیف چپ و راست و بچه گانه خود کرده اند؟ اگر دریافته بودند که در نزاع بر سر لهجه های قبیله ای و نق نق های قوم گرایانه چه مقدار نیرو و انرژی خود را تلف می کنند؟ اگر واقف بودند که زمانی که رژیم ملایان هست و نیست ملی آنان را غصب و تاراج کرده است، ایشان در حقیقت سر کیسه را رها کرده اند و چسبیده اند به ته کیسه؟ کسی که در شهر و موطن خود اختیار پوشیدن لباس دلخواهش را ندارد. کسی که برای آرایش دلخواهش بازداشت می شود. کسی که برای نوشیدن یک جام شراب شلاق می خورد، باید با حفظ متانت و درک اندازه و توان اراده و امکانات خود، با تنوری بافی و اظهارنظر و خط و نشان کشیدن برای سرمایه داری جهانی و قطب بندی های قدرت های بزرگ اقتصادی و نظامی، خود را مضحکه خاص و عام نکند. کسی در خانه خودش حریف و همآورد یک آخوند روضه خوان متجاوز بی مقدار نیست، لازم است که مبارزه با امپریالسم و سرمایه داری جهانی را به وقت دیگری موکول کند.

اکنون زمان اتفاق است. آن اتحاد ابلهانه ای را که در سال ۵۷ به دور امام خون و جنون تشکیل دادیم ما را مارگزیده کرده است. اما با این حال مگر به غیر از اتحاد و اتفاق و همبستگی راه و نشان دیگری برای چیره شدن بر آخوندهای کینه توز و ضدایرانی. اسلام وجود دارد؟

جمهوری اسلامی یا از طریق شورش همگانی ملت ایران ساقط خواهد گردید و یا در پی حملهء نظامی آمریکا و اسرائیل. راه سومی وجود ندارد. اگرچه هر دوی این اتفاقات ممکن است در پی یکدیگر و یا همزمان و توأمان روی دهد.

در خاتمه یادآور می شوم که ملت ایران باید به یک دوست، به یک دوست واقعی عنایت بیشتری داشته باشد. ملت اسرائیل تاریخاً به ملت ایران مدیون است. آنان بارها به نجات خود از اسارت توسط ایرانیان اذعان داشته اند. کمک گرفتن از چنین دوستی هیچ منتهی را بر ما حمل نمی کند. اگرچه نگارنده در آن فضاهای اسطوره ای و پیشمدرن نمی اندیشد و به معیارها و اقتضانات زمانه نیز توجه کامل دارد.

siamakmehr@yahoo.com

درفش کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/parsi/>